

دو معنا در انتخاب رییس جمهوری

در جمهوری اسلامی

امیرفیض- حقوقدان

انگیزه ای تحریرنوشته آقای مصطفی عرب است در مورد انتخابات. از آنجا که آقای مصطفی عرب از یکسو از سرکردگان و محرکین نامه هشدار و محکمه صحرانی و در نهایت از دست اندرکاران آن کلکسیون فحاشی و اتهامات بی اساس نسبت به نماد ملی سه هزار ساله ایرانیان است و از سوی دیگر آقای عرب همان نماد ملی را که میخواست به لجن بکشد، «اعلیحضرت همایونی نماد ملت ایران» خطاب میکند این ضابطه دورویی و دورنگی نتوانست در مقاله ایشان درباره انتخابات کم اثر بماند و لاجرم تکلیف تنظیم این تحریر را میسر ساخت.

آنچه که از نوشته ایشان محل بحث و فحص این تحریر است فقط عبارتی است در این مفهوم که «ما چون خارج از کشور هستیم نمیتوانیم در امر انتخابات قضاوت درست بکنیم * تا به کسی رای داده شود تا بلکه بتوان مدتی زندگی کرد*

این اظهار ایشان درست است و متوجه کسانی است که در بیعت جمهوری اسلامی قراردادارند و برای

مصطفی عرب

بنام ایران؛

قبلاً یکی از سخنگویان اشاره به موضوعی کردند مبنی بر اینکه میبایستی مشروعیت حاکم گرفته شود، ولی به باور من میبایستی بطور کلی و ریشه ای مشروعیت رژیم سرمداران آنگرفته شود.

ما در بیرون از مملکت زندگی میکنیم و بجز شنیده ها، اطلاع دقیقی از مشکلات کسانی که درون ایران زندگی میکنند نداریم. مسلماً آنها که درون مملکت زندگی میکنند با مشکلات بسیاری دست به گریبان هستند و مجبورند بنا بگفته معروف «بسوزند و بسازند».

با توجه به این موضوع آنها هستند که میبایستی برای آینده خود تصمیم بگیرند و بهمین دلیل آنان کسانی را انتخاب خواهند کرد که فرصتی داشته باشند تا نفس بکشند.

من معتقد به این باور هستم ما که در خارج از کشور هستیم، مسلماً اطلاعات کمی نسبت به آنها داریم و آنها میبایستی برای آینده و زندگی خودشان تصمیم بگیرند و منتظر آنروزی باشند که بتوانند مشروعیت رژیم را بطور کلی از بین ببرند.

اداره جمهوری اسلامی که از مجرای انتخاب ریاست جمهوری میگذرد باید بر اوضاع و اطلاعات کشور آگاهی داشت و مناظره انتخاباتی که ملاحظه شد هم برای همین است که اطلاعات مردم نسبت به اوضاع کشور و صلاحیت کاندید ها تا آنجا که ممکن است نزدیک به حقیقت باشد.

دو معنا و قصد در انتخابات

انتخابات ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی با دو معنا و قصد همراه است؛ معنا و قصد نخست **تجدید بیعت با جمهوری اسلامی است** که هر ۴ سال صورت میگیرد؛ و قصد دوم که پس از ابراز قصد اول شکوفا میگردد **انتخاب رییس جمهور است** تا بتواند قصد نخست آنها را مدیریت کند.

بنا بر این ایرانیانی که برای جمهوری اسلامی قائل به مشروعیت نبوده اند و با آن فرقه تبهار غاصب بیعت نکرده بودند و یا اگر هم به دلایلی بیعت کرده بودند اکنون که موقع تجدید بیعت است نمیخواهند با آن فرقه تبهار تجدید بیعت کنند، نمیتوانند در امر انتخابات شرکت کنند زیرا **شرط مشارکت در انتخابات متضمن تجدید بیعت با جمهوری اسلامی است**.

شرط اینکه چه کسی شایسته انتخاب شدن برای ریاست جمهوری است فرع بر مشروعیت و بیعت با رژیم است. وقتی کسی قائل به مشروعیت فرقه تبهکار جمهوری اسلامی نیست، فصل شایستگی برای مصرف آن، در اداره کشور هم منتفی است زیرا شخص انتخاب شده ناچار است بر اساس قانون اساسی که شناسنامه حقوقی جمهوری اسلامی است عمل کند؛ یعنی سندی که فاقد مشروعیت و فاقد اصالت و فاقد حق حاکمیت ملی است.

✻ این اشاره مختصر برای یادداشت آقای سرگرد مصطفی عرب است که؛

نمیشود با فرقه تبهکار جمهوری اسلامی در بیعت بود و از طرف دیگر رضاشاه دوم را اعلیحضرت همایونی خطاب کرد این دورنگی در فرهنگ ایرانی از مراتب نامردی است که گفته اند یا زنگی زنگ و یا رومی روم.

رابطه بین رای و زندگی

✻ اظهار نظر آقای عرب به اینکه رابطه ای بین رای و زندگی قائل شده است، درست است، اما نه از باب مسائل سیاسی و عقیدتی بلکه امری مادی است که در رابطه با زندگی قابل تنویر میشود. در مسائل سیاسی بجای اینکه مسئله زندگی و مادیات آن مطرح باشد، مسئله اعتقاد مطرح است، اعتقاد، بارزه و گوهری است که در پهنه های وسیع آن مسائل مادی و زندگی تحت الشعاع حقانیت اعتقاد قرار دارد.

✻ مردان متفکر در برخورد با رویدادها به علت و سابقه و مسائلی از این دست رجوع میکنند و رابطه بین دستاوردهای اقتصادی و نظام حاکم را در استای اعتقاد سیاسی بررسی میکنند نه اینکه از طریق زندگی مادی بخواهند به قائمه اعتقاد سیاسی برسند؛ در دوران قبل از شورش ۵۷ در پناه اعتقاد سیاسی برخاسته از تداوم اجرائی قانون اساسی بهترین و مناسبترین زندگی مادی برای همه ایرانیان فراهم بود یعنی رفاه و تدارکات زندگی ایرانیان در پناه سفره اعتقاد حاکم که نظام سلطنت مشروطه ایران بود قوام و گسترده‌گی یافته بود؛ اکنون نیز برای تامین رفاه عمومی نیاز به مشارکت در رای نیست نیاز به استقرار همان نظامی است که رفاه و سربلندی ملت را در پناه امنیت محفوظ داشته بود.

✻ آقای مصطفی عرب؛ <نفی شیطان دگر، و گوهر وجدان دگراست> امید وارم در رسیدن به آن مقام همه موفق باشیم.



آقای مصطفی عرب در نشریه ماهانه خودش با رفتن به استقبال انتخابات و آنرا مظهر اتحاد قلمداد کردن نخست به سراغ مهدی خزعلی که طرفدار قانون اساسی جمهوری اسلامی است و به آن باور دارد رفته است و دیگرانی را که در دادن نظریه در مورد انتخابات، برگزیده، حشمت ریسی، بردیا پارس، حسین علیزاده کارمند پیشین جمهوری اسلامی در فنلاند، بهرام آبار از جمله فدرالیست ها و همفکران اسماعیل نوری علاء، کاظم موافق از هرز و هشدار نویسان، فواد پاشایی، شهلا ممتاز، آرمان چاروستایی و منصور اصانلو که همگی از هشدار نویسان و مخالفان مشروطه هستند و آخری هم مامور نفوذی رژیم اسلامی است میباشند. به این انتخاب و اتحاد مفتخر هم هستند. تو بگو باکیان زیستی تا بگویم کیستی.. ح-ک